



مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری

گفت‌وگوهای خبر

نشست سی و سوم

ارزیابی گزارش موسسه‌ی مکنزی: ایران؛ فرصت رشد یک تریلیون دلاری

مرتضی الله‌داد

معاون اقتصادی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری

گفت‌وگوهای راهبردی

نشست سی و سوم
ارزیابی گزارش موسسه مکنزی:
ایران؛ فرصت رشد یک تریلیون دلاری

مرتضی الله‌داد
معاون اقتصادی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران

گفت‌وگوهای راهبردی، مجموعه سخنرانی‌های موضوعی در حوزه «سیاست اقتصادی»، «سیاست خارجی»، «سیاست داخلی»، «سیاست بهداشت و سلامت»، «سیاست علم و فناوری»، «سیاست اجتماعی و فرهنگی» و «سیاست محیط‌زیست» است که با حضور مسئولان، سیاست‌گذاران، ذینفعان و پژوهشگران مرتبط، از سال ۱۳۹۴ تاکنون در تالار تدبیر واقع در مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری برگزار می‌شود.

نسخه کامل سخنرانی‌ها به صورت الکترونیکی برای استفاده عموم پژوهشگران و صاحب‌نظران منتشر می‌شود.

کلیه حقوق این اثر متعلق به مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری است
هرگونه بازنشر تنها با اجازه کتبی مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری آزاد است



سی و سومین جلسه از سلسله نشست‌های «گفتگوهای راهبردی»، در تاریخ دوشنبه ۱۱ بهمن ماه ۱۳۹۵، با سخنرانی آقای دکتر مرتضی الله‌داد معاون اقتصادی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی و با عنوان «ارزیابی گزارش موسسه مکنزی: ایران؛ فرصت رشد یک تریلیون دلاری» در سالن نشست‌های مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری برگزار شد. در ادامه خلاصه‌ای از اهم مطالب نشست آورده می‌شود.



این نوشته دارای دو بخش است. در بخش نخست مهم‌ترین نکات موجود در گزارش مکنزی مرور می‌گردد. در بخش دوم بر پایه آمارهایی دیگر از اقتصاد ایران این گزارش ارزیابی می‌شود. موسسه مکنزی یکی از سه موسسه مشاوره‌ای برتر در اقتصاد است و در حدود شصت کشور دفتر دارند. ادعای گزارش این است که ایران با رشد متوسط سالانه ۶,۳ در ۲۰۳۵ به یک رشد اقتصادی بالغ بر یک تریلیون دلار می‌رسد و در کنار آن حدود نه میلیون شغل ایجاد می‌کند. شروط رسیدن به این جایگاه از نظر مکنزی عبارتند از افزایش جذابیت کشور برای سرمایه‌گذاری خارجی، تضمین ثبات اقتصاد کلان، تقویت و تعمیق نظام مالی، افزایش بهره‌وری و ارتقاء زیرساخت صنعتی. برای این منظور حدوداً ۳,۵ تریلیون دلار نیاز سرمایه‌گذاری را پیش‌بینی می‌کند که یک هزار میلیاردش منابع خارجی است. یعنی در بیست سال کشور باید سالی ۵۰ میلیارد دلار کشور پذیرش سرمایه خارجی داشته باشد. توصیه‌هایش را در ۱۸ صنعت مطرح کرده است. شش نقطه قوت اقتصاد ایران از نگاه مکنزی عبارتند از تنوع اقتصادی، سطح بالای مشارکت در آموزش عالی، طبقه مصرف‌کننده در حال رشد، جمعیتی با نرخ شهرنشینی بالا، فرهنگ کارآفرینی و موقعیت ژئوپلیتیک کشور برای همسایگانی که در دور و بر کشور ما هستند. تنوع اقتصادی را برا این اساس نتیجه می‌گیرد که از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۴ (برعکس بقیه کشورهای تولیدکننده نفت) وابستگی کشور ما به نفت کم شد. در مورد نقطه قوت دوم یعنی سطح بالای مشارکت در آموزش عالی ایران را از لحاظ تعداد فارغ‌التحصیل مهندسی در پنج کشور اول دنیا (بالا تر از ژاپن و کره) در کنار آمریکا ذکر کرده است. دو سوم کابینه ایران را دارای مدرک پی‌اچ‌دی دانسته است که شش تای آنها نیز تحصیل کرده خارج هستند، سه تایشان نیز از آمریکا فارغ‌التحصیل شده‌اند از دانشگاه‌های خوب. این را قیاس کرده است با دولت اوباما که فقط دو پی‌اچ‌دی دارد و بقیه هم رشته حقوق خوانده‌اند. نکته دیگر اینکه مدعی است نیمی از خانوارهای ایران براساس پی‌پی‌پی درآمدی بالای بیست هزار دلار (دو برابر چین) دارند (اکثر استناداتش به منابع خود مکنزی است). پتانسیل بعدی جمعیت با نرخ شهرنشینی بالاست. دو سوم ایرانی‌ها در شهر زندگی می‌کنند. نسبت به هند و برزیل این را سنجیده است و این تراکم شهرنشینی را دست‌مایه رشد دانسته است. به کارآفرینی پرداخته است و معتقد است کارآفرینان در فرهنگ ایرانی جایگاه بالایی را دارا هستند (بالا تر از فرانسه و هم‌تراز آمریکا). بخش خصوصی ایران را به جهت واگذاری‌های اخیر توانمند

می‌بیند. در مورد موقعیت ژئوپلیتیک ایران هم وجود ۱۶ کشور همسایه را فرصت مناسبی برای صادرات می‌داند. سرعت پیشرفت اقتصاد ایران را بر چهار عامل استوار دیده است: (۱) بهینه کردن بازده منابع طبیعی ایران (به خصوص نفت و گاز. نفت در کوتاه‌مدت و گاز را در بلندمدت). (۲) تبدیل صنایع بزرگ داخلی (مثلاً صنعت خودروی ترکیه را به جهت کمی ۶۰ درصد صنعت خودروی ایران دانسته است). (۳) الزام به سرعت بخشیدن به گذار به سمت اقتصاد دانش‌بنیان (اشاره خوبی به لزوم روزآوری بخش مالی بانکی می‌کند) (۴) نوسازی زیرساخت‌های فیزیکی (از آن سه هزار و پانصد میلیاردی که قرار است ایران جذب بکند تقریباً هزار و پانصدش را اینفرا استراکچر دانسته که این نشان‌دهنده ضعف بخش زیرساخت‌هاست). برویم سراغ جزئیات هر یک از این چهار بخش. در بخش نفت و گاز به عنوان پیش‌ران عقیده دارد که ایران یکی از کمترین هزینه‌های تولید نفت را (بدون احتساب عربستان و کویت) دارد. در بخش معدن می‌گوید به نسبت پتانسیلی که وجود دارد سرمایه‌گذاری‌ها خیلی پایین است و معتقد است می‌توانیم با بودجه اکتشافی در بخش معدن هم رشد کافی داشته باشیم. در بخش کشاورزی ایران را تولیدکننده بزرگی می‌داند که در پسته و زعفران و خاویار و میوه و غلات و همین‌طور محصولات دامی پایه‌های اساسی و زیربنا دارد (سطح زیر کشتش از اسپانیا هم بالاتر است). منتهی به مسئله آب خیلی گذرا اشاره می‌کند. در ذیل توسعه صنایع رقابتی در سطح بین‌الملل با پتانسیل صادرات، ایران را به عنوان یک تولیدکننده بسیار بزرگ به رسمیت می‌شناسد (به حوزه‌های تولیدی همچون خودرو، سیمان، فولاد و محصولات آرایشی اشاره می‌کند). در بخش گردشگری با دیدی واقع‌بینانه‌تر نسبت به بخش‌های دیگر نکات خوبی را گفته است. مثلاً اینکه تعداد سایت‌های میراث فرهنگی ثبت‌شده ما در یونسکو نسبت به یونان بیشتر است. چهار میلیون گردشگر ایران (که عمدتاً هم مسافره‌های مذهبی هستند) را مقایسه کرده است با بیست و هفت میلیون گردشگر ترکیه مقایسه کرده است و جایگاه ایران را بسیار بالاتر از این دانسته است. در ذیل گذار به سوی اقتصاد دانش‌بنیان بحث توسعه خدمات مالی را مطرح کرده است. بخش خدمات مالی مخصوصاً بعد از برجام نیاز به رشد بیش از این دارد (در اینجا ۹ درصد را پیش‌بینی کرده است). حرکت به سمت استانداردهای بین‌المللی برای بازل دو و بازل سه را پیش‌نیاز دیده است برای اینکه بتواند بانک‌های ایرانی و بانک‌های بین‌المللی به همکاری بپردازند (در حالیکه بانک‌های ما در واقع از بازل یک نیز تبعیت نمی‌کنند). در ادامه به تجدید سرمایه بانک‌ها، نرخ کفایت سرمایه، به‌روزرسانی سیستم‌ها و گسترش بازار بدهی و بازار بیمه اشاره کرده است. همچنین گفته است که در ایران Investment banking وجود ندارد. Venture capital و Private equity هم تازه شروع شده است و از آن چیزی که در سطح بین‌المللی هست فاصله گسترده‌ای دارد (استاندارد RFIS برای سیستم حسابرسی بانکی نمونه‌ای بود که بهمن ماه سال گذشته اجرایی شد و مشکلاتی را به وجود آورد). در یک جایی ضریب نفوذ موبایل را بالا دانسته است. اما ما در اصل از نظر ضریب موبایل تقریباً در ۲۱۵ کشور رتبه ۱۷۲ داریم (در منطقه وضعیت خوبی داریم اما در سطح بین‌الملل نه). همچنین در



ذیل گذار به سوی اقتصاد دانش‌بنیان به پتانسیل‌های ما در بخش پزشکی اشاره کرده است (رشد بیماری‌هایی نظیر دیابت و بیماری‌های عصبی و به تبع آن توسعه صنعت دارو را پیش‌بینی کرده است). در ادامه به بخش زیرساخت‌های ایران می‌رسیم. گفته است ما در جاده‌ها شصت و سوم و در راه‌آهن چهل و پنجم هستیم و این خوب است؛ ولی حمل و نقل هوایی مان صد و هجدهم است که شرایط خیلی خوبی را ندارد. چالش‌های عمده مقابل ایران برای تحقق بخشیدن به این پتانسیل‌ها را هم عبارت دانسته است از اول جذب سرمایه‌گذاری خارجی، تکنولوژی و تخصص (که نیازمند نیروی کار با انعطاف‌پذیری است). به نیروی کار ما و لزوم افزایش بهره‌وری آن می‌پردازد (مثلاً ساخت ساختمان در ایران نسبت به کشورهای همسایه دوبرابر زمان می‌برد) سه چهارم جا به شرایط ثابت اقتصاد کلان اشاره کرده است. برنامه‌ریزی اجرای اصلاحات به سوی اقتصاد با بهره‌وری بالاتر را (هم در بخش دولتی و هم خصوصی) پیشنهاد دارد. به بودجه نپرداخته است ولی به صورت غیرمستقیم می‌پردازد که دیسپلین بودجه در همین بخش حتماً مهم است. به محیط سهل‌تر برای کسب و کار هم اشاره دارد. بخش محیط کسب و کار و نظام مالی ما شاید از بخش‌هایی است که نیاز دارد مجدداً بررسی بشود. ترازنامه بانک‌های ایران حجم زیاد دارایی کم‌بازده دارند. در بخشی دیگر به قانون ورشکستگی ایران می‌پردازد که قانون خیلی قدیمی است و باید شرایط ورشکستگی تسهیل شود.

در ادامه این نوشته و در بخش دوم از آن به این مسئله می‌پردازیم که وضعیت واقعی ما در قیاس با گزارش مکنزی چیست و چقدر باید کار کنیم تا بتوانیم به این اهدافی که مکنزی گفته است برسیم. در این راستا براساس یک سری شاخص‌ها که مکنزی به آن نپرداخته واقعیت اقتصاد ایران را بازگو می‌کنیم. اولین شاخص بین‌المللی مرتبط با کسب و کار شاخص سهولت کسب و کار است. براساس دوئینگ بیزینس بانک جهانی همان‌طور که می‌بینید رتبه ما ۱۲۰ از ۱۹۰ هست. شاخص رقابت‌پذیری جهانی رتبه سال ۲۰۱۷ ما ۷۶ هست رتبه ۲۰۱۶ ما ۷۴ بود. بدتر شده است هر چند میزان امتیازی که گرفتیم کمی بهتر شده است. شاخص ادراک فساد وضعیت بسیار خطرناک و آسفناکی دارد. رتبه ما ۱۳۱ از ۱۷۶ هست. این شاخص یکی از عوامل تأثیرگذار بر کسب و کار است. همان‌طور که می‌بینید باز یک رتبه نزولی بوده است. شاخص آزادی اقتصادی هریتیج (Heritage) اینجا از ۱۷۸ کشور ما رتبه ۱۷۱ را داریم. شاخص فریزه (Freeze) که مثل هریتیج می‌ماند خیلی فرق نمی‌کند. فقط کامپوننت‌های فریزه پنج تا اصلی است و چهل و دو تا ایندکس فرعی دارد. و در آن‌ها هم یکی از بزرگترین هایش دولت بزرگ است و دولت بزرگ در ایران باز این وضع را به وجود می‌آورد که ما در ایران رتبه‌مان در ۱۵۹ کشور ۱۵۰ است. اینجا هم شش رتبه نزولی بوده است. فقط شاخص حقوق مالکیت بین‌المللی سعودی بوده و هفت رتبه افزایش پیدا کرده است. باز هم رتبه‌مان رتبه ۱۰۸ از ۱۲۹ است. رتبه ایران در شاخص حکمرانی خوب همان‌طور که می‌بینید بسیار بد است. این شاخص بین منهای دو و نیم تا دو و نیم مثبت می‌رود و شما می‌بینید کنترل فساد، اثرگذاری دولت،

ثبات سیاسی و فقدان خشونت، کیفیت مقرراتمان، حاکمیت قانون و پاسخگویی دولت و اظهار نظر شهروندان همگی منفی هستند. هیچ کدام حتی در حد نرمال هم قرار نمی‌گیرد. یک نکته ویژه اینکه مکنزی در ابتدای گزارش این مسئله را مطرح می‌کند که اگرچه محیط سیاسی برای دستاوردهای اقتصادی مهم است اما در این گزارش به مباحث سیاسی پرداخته نمی‌شود. من فکر می‌کنم می‌خواهد بگوید همه صدماتی که اقتصاد ایران دیده است به دخالت‌های سیاسی برمی‌گردد اگر دخالت سیاسی در راستای کمک به بخش اقتصادی باشد آن پیش‌بینی‌هایی که مکنزی می‌کند احتمال تحققش بسیار بالاست. اما به هر حال گزارش مکنزی بسیار خوش‌بینانه است. مثلاً به طرز عجیبی خودشان پیش‌بینی می‌کنند که در پنجاه سال آینده رشد اقتصادی جهان کاهنده است و رشد ما را ۶,۳ درصد می‌گیرد. یعنی در دو سوم این زمان ما سه برابر رشد بین‌المللی رشد خواهیم داشت. این قابل قبول نیست. یکی از نقاط قوت ایران را شهرنشینی دانسته بود و آن را با آمریکا و اروپا مقایسه کرده بود. اما این مقایسه درست نیست. شهرنشینی ما برائت نبود شغل در روستاهاست و امروزه یک مسئله امنیتی را در کشور به عنوان حاشیه‌نشینی شهری برای کشور ایجاد کرده است. همچنین به شکاف طبقاتی ایران توجه کافی نداشته است. شکاف طبقاتی در ایران اینقدر بالاست که دهک ده دو برابر دهک نه هزینه می‌کند (دهک ده ۱۰۸ و دهک نه ۵۹ میلیون هزینه می‌کنند)؛ مکنزی اشاره می‌کند که بیشتر برندهای دنیا امروز در تهران دفتر دارند. یک روزی اعلام شد تعداد پورشه‌هایی که در تهران فروخته شده است بیشتر از پورشه‌هایی بوده است که در فرانسه فروخته شده است. این برای یک جمعیت خیلی خیلی کوچکی از ایران است که ثروت‌های خاص دارد. همچنین مدعی است متوسط درآمد ایرانی‌ها بیست هزار دلار است که با هیچ دلاری این درآمد به این میزان نیست. در صادرات نیز اگر نفت و گاز را کنار بگذاریم صادرات سایر کالاها که در حقیقت کارآفرین هست از پانزده میلیارد و پانصد و چهل و نه دلار به شانزده میلیارد و چهارصد و دوازده رسیده است. یعنی در حقیقت رشد معنی‌داری ندارد. در مورد سرمایه‌گذاری خارجی هم رفت و آمد هیئت‌ها زیاد است ولی تعدادی که به نتیجه برسید خاصه در بخش خصوصی خیلی نادر است. تجربه شخصی من گویای آن است که تصویری که مکنزی از اشتیاق بی‌چون و چرای سرمایه‌گذاران خارجی در ایران نشان داده است کمی دور از واقعیت است. در سفری که ما به اتفاق آقای دکتر ظریف به کشورهای اسکانديناوی رفته بودیم در بخش صبح تا ظهر در سوئد چیزی نزدیک به صد و سی کمپانی حاضر بودند. اما بعد از ظهر که به مسائل مالی و سیستم بانکی باز می‌گشت هیچ نوع علاقه‌ای به کار کردن با ایران نشان نمی‌دادند. در نظر داشته باشید که متوسط سرمایه‌گذاری FTI در ایران در چند سال گذشته رقمی معادل ۲,۵ میلیارد دلار است. با این حال مکنزی برای ۲۰ سال ما هزار میلیارد دلار پیش‌بینی کرده است؛ یعنی سالی پنجاه میلیارد دلار! بسیار خوش‌بینانه است. مدعی است بیست شرکت برتر ایران فروش سالانه بالای پنج میلیارد دلار دارند درحالی‌که این‌ها بنگاه نیستند هلدینگ (یعنی مجموعه بنگاه‌ها) هستند. اگر به نرخ آزاد حساب کنیم می‌شوند هشت شرکت و اگر به نرخ دولتی



حساب کنید می‌شوند سیزده تا. یعنی باز به بیست تا نمی‌رسد. بیشتر این بانک‌ها کفایت سرمایه‌شان از هشت کمتر است. تازه این مقررات برای بال یک است. در بال سه که از ۲۰۱۸ عملیاتی می‌شود ما در نسبت کفایت سرمایه باید بدهی معوق را هم از آن کسر کنیم. یعنی به طور کلی وضعمان از جهت کفایت سرمایه منفی می‌شود که بسیار برای کشور بد است. اما یکی دیگر ظرفیت‌هایی که مکنزی بر آن انگشت نهاده است آموزش عالی است. در اینجا هم واقعیت‌ها متفاوت است. نرخ ثبت نام ما در آموزش عالی سی و سوم هستیم در دنیا. بسیار عالی است. کیفیت نظام آموزش عالی مان می‌شود نود و هفتم. یعنی در ۱۳۸ کشور یک دفعه کیفیت به شدت می‌افتد. کیفیت دانشکده‌های مدیریت ما در ۱۳۸ کشور نودم است. دسترسی به خدمات آموزشی تخصصی هفتاد و هشتم هستیم. میزان ارائه آموزش‌های ضمن خدمت که بسیار مهم است در ۱۳۸ کشور صد و سی و یکم هستیم. در تحقیق و توسعه هشتاد و نهم هستیم. همکاری دانشگاه و صنعتمان خیلی بد است در ۱۳۸ کشور صد و پنجم هستیم. کیفیت موسسات پژوهشی علمی مان شصت و ششم هستیم. مکنزی زیاد به دانشگاه شریف پرداخته است و از قول یک استاد دانشگاه استنفورد می‌گوید دانشگاه صنعتی شریف بهترین دانشگاه دنیاست. در شاخص‌های جهانی نیز فقط به شانگهای پرداخته است که بهترین رتبه را به ما داده است. در حالی که QS نظام رتبه‌بندی بهتری است. دانشگاه تهران ما در شانگهای حدود ۲۰۱ تا ۳۰۰ است. همین دانشگاه تهران در QS می‌شود ۵۵۰ تا ۶۰۰ و رتبه دانشگاه صنعتی شریف در شانگهای ۴۰۱ تا ۵۰۰ است در QS ۴۷۱ تا ۴۸۱. پس در اینجا نیز واقعیت‌ها متفاوت است. از آموزش عالی که بگذریم به طور کلی یکی از مشکلات بزرگ ما مقررات است، مقررات گسترده، ما دوازده هزار تا قانون داریم. ۱۸۰ هزار تا مقرر داریم. در مقررات زدایی کره جنوبی یک الگو برای ماست. در مجموعه‌ای که برای مقررات زدایی تشکیل دادند ۲۵ نفر عضو هستند که نخست‌وزیر کره به اضافه یک نفر از بخش خصوصی با هم ریاستش را به عهده دارند. هفده نفر از این ۲۵ نفر از بخش خصوصی هستند. در آنجا سه ویژگی را باید یک مقرر یا یک قانون داشته باشد تا مورد بحث قرار گیرد. یکی اینکه ده میلیون دلار در اقتصاد کره موثر باشد. یکی اینکه یک میلیون کره‌ای را متأثر کند. یا به طور خیلی مشخص ضد رقابت باشد. در این صورت می‌آید بازبینی می‌شود؛ یا ابقاء یا اصلاح یا کلاً برداشته می‌شود. همین کار در انگلستان در ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۰ عملیاتی شد با قانون One in two out. یک قانون جدید اگر مجلس می‌نویسد دو تا از قدیمی‌ها را حذف می‌کند. حالا شما هیئت مقررات زدایی خود ما را اگر نگاه کنید که یک ترکیب ده نفره دارد باز این ترکیب اکثریتش دولتی است و نظر کسی که دارد کار تجاری-تولیدی می‌کند برایشان اهمیتی ندارد.

در بخش پرسش و پاسخ ابتدا دکتر سرزیم احساسشان نسبت به این گزارش را چنین بیان کردند: «من احساسم در مورد این گزارش این است که می‌گوید ایران چه پتانسیل‌هایی دارد بعد می‌گوید اگر می‌خواهید آن پتانسیل‌ها بالفعل بشود یک کارهایی

باید کرد که می‌خواهید ببایید حالا سفارش بدهید تا ما بگوییم چه کار باید کرد.» آقای حریری از اتاق دیدی انتقادی‌تر نسبت به این گزارش داشتند و مدعی شدند جز چند غلط فاحش حرف جدیدی نداشت. آقای جهان‌بیگلری نیز در ادامه نظرات انتقادی به این نکته اشاره کردند که وضعیت ما به‌گونه‌ای است که سرمایه‌گذار فرار می‌کند. دولت اعلام می‌کند یازده میلیارد دلار جذب داشته است ولی فقط دو میلیاردش محقق می‌شود و باقی فرار می‌کنند. خانوم مشترکی از موسسه مدیریت بازرگانی با دیدی متفاوت گزارش موسسه مکنزی نوعی نقدِ خلاقانه اقتصاد ایران دانستند. به گفته ایشان مکنزی می‌گوید اگر اقتصاد ایران همه این موانع را بردارد تازه به رشد ۳٫۶ درصد می‌رسد درحالی‌که ما در برنامه ششم رشد ۸ درصد را پیش‌بینی کرده‌ایم! آقای میرزایی به تجربه همکاری همراه اول با مکنزی اشاره کردند و همچنین گفتند که تهیه‌کننده این گزارش فردی ایرانی به نام آقای حاتمی است که هد سلیز اند مارکتینگ (Sales and marketing) شرکت مکنزی در اروپا، خاورمیانه و آفریقای شمالی هستند. خود آقای الله‌داد در دفاع از مکنزی این نکته را بیان کردند که همین مکنزی گزارشی هم در مورد عربستان ارائه کرد و اقتصاد این کشور از ۲۰۰۴ و ۲۰۱۴ کاملاً متحول شد. از ۴۰۰ میلیارد دلار جی‌دی‌پی رسیدند به ۸۰۰ میلیارد دلار جی‌دی‌پی سالیانه هر سال ۱۳۰ میلیارد دلار اینوست کرده‌اند. سی میلیارد دلارش FTI بود صد میلیارد دلارش خارجی بود. نسبت پارتیسیپیشن خانوم‌ها در بازار کار را سیزده برابر کرده‌اند که بیشتر از ماست. پس اگر دل بدهند می‌شود تغییر ایجاد کرد. آقای قریب از مرکز مطالعات تدبیر نکاتی را در حمایت از این گزارش بیان کردند. به گفته ایشان مشخصاً در سرمایه‌گذاری خارجی عددی که مکنزی طرح کرده است عددی است که دقیقاً موسسه پژوهش‌ها زیر نظر ریاست‌جمهوری پارسال برای رسیدن به رشد هشت درصد مطرح کرد. نکته دوم اینکه در ادبیات استراتژیک شأن این گزارش را گزارش شناخت می‌دانیم. یعنی گزارشی که صرفاً یک تصویری از منظر مدیریت کلان به شما می‌دهد و در این قالب گزارش معقولی است. یک نکته خیلی خوب دیگری که این گزارش به ما یاد می‌دهد به جای فراوانی‌های کم‌اهمیت بر اندک‌های حیاتی تمرکز کنیم. یعنی به ما یاد می‌دهد که صرفاً بر چهار حوزه محدود و متمرکز شویم. در نهایت دکتر الله‌داد در زمینه خصوصی‌سازی نیز این نکته انتقادی را بیان کردند که بنابر آخرین گزارشی که سال گذشته مجمع تشخیص درآورد از واگذاری‌هایی که از سال ۸۴ تا ۹۴ انجام شده بود ۶۰٫۷ درصد واگذاری‌ها و بنگاه‌ها به نهادهای عمومی غیردولتی بود. بیست درصد را هم که رئیس‌جمهور قبلی داد به سهام عدالت. بخش واقعی خصوصی کمتر از ۱۳ درصد است. آیا با این میزان کم رقابت شکل می‌گیرد؟!